

## آخرین پدرخوانده

۲۷ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۳۸

حکومت به فکر آن‌ها نبود پس آن‌ها نیز به آن‌ها اهمیتی نمیدادند. این بیگانگی جامعه و حکومت در فرهنگ اسلامی ریشه دارد (ر.ک. به مطلب پیشین در مورد ریشه‌ی اسلامی فرهنگ مردم جزیره‌ی سیسیل) در زمانی که حکومت ظالم یا ناکارآمد است اطاعت و فرمانبرداری لازم نیست و مسلمانان می‌بایست امور را در درون خود حل و فصل میکردند. در سیسیل نیز، چون اندلس، مدت‌ها طول کشید تا حکام نورمن مسلمانان را مسیحی کنند.

"جزیره سیسیل" به مرکزیت "پالرمو" خاستگاه مافیا در جهان میباشد. مردم عمیقاً شرقی این جزیره، که حتی در نقشه هم گویی دارد از چکمه‌ی نوک تیز ایتالیا - که به پای اروپا معروف است - لگد می‌خورد، از زمان استیلای نورماندی‌ها (۱۰۷۱ میلادی) تا دوران معاصر در زیر یوغ و ستم حکام بیگانه بودند. آن‌ها طی این تاریخ طولانی با تمام وجود آموختند که تنها راه مقابله با حکومت استحکام تشکیلات درونی و ساختار طایفه‌ای است که در گویش محلی "کوسا نوسترا" خوانده میشدند:

"آنچه متعلق به ماست".

حکومت به فکر آن‌ها نبود پس آن‌ها نیز به آن‌ها اهمیتی نمیدادند. این بیگانگی جامعه و حکومت در فرهنگ اسلامی ریشه دارد (ر.ک. به مطلب پیشین در مورد ریشه‌ی اسلامی فرهنگ مردم جزیره‌ی سیسیل) در زمانی که حکومت ظالم یا ناکارآمد است اطاعت و فرمانبرداری لازم نیست و مسلمانان می‌بایست امور را در درون خود حل و فصل میکردند. در سیسیل نیز، چون اندلس، مدت‌ها طول کشید تا حکام نورمن مسلمانان را مسیحی کنند. این فرآیند، در فرهنگ سیسیلی پنهان کاری و درونی کردن مسایل را به شدت تقویت کرد. انسجام طایفه‌ای قوام بیشتر یافت و "آمرتا"، قانون سکوت و رازداری، عمیقاً شکل گرفت در واقع بی‌شرف‌ترین فرد آن کس بود که علیه خاندان و مردمش به حکومت حرفی بزند. هر چه بود باید درون "خاندان" حل و فصل میشد. این نظام طی قرن‌ها آبدیده شد و انضباطی عجیب را شکل داد. به این ترتیب، بتدریج "مافیها" شکل گرفت □ دان‌ها (همسنگ "خان"‌ها در مشرق زمین) و طوایف شان، در برابر کارگزاران حکومت‌ها، حاکمان واقعی سیسیل بودند و قواعد و ایستارهای طایفه‌ای برتر و واجب‌الاطاعه‌تر از قوانین حکومت‌ها شناخته شد. به حکومت رسیدن موسولینی و نظام فاشیستی در ایتالیا ضربه‌ای سخت بر "دان"‌ها و "مافیا"‌هایشان بود. موسولینی شخصاً با مافیا درافتاد و از هیچ کوششی برای نابود کردن طوایف سیسیلی فروگذار نکرد. اگر در ایران "امیر مؤید سوادکوهی" و سران طوایف سوادکوه از بیم انتقام هم‌ولایتی پیشینشان، رضاخان سوادکوهی، به روسیه‌ی استالینی گریختند و سرنوشتی فجیع یافتند، "دان"‌ها و اعضای طوایف سیسیل، آنان که جان بدر بردند، با کشتی راه

آمریکا را در پیش گرفتند، و سنن خود را در جامعه ی آمریکایی پیاده کردند. حکایتی عجیب از آمیزش "سنت" و "مدرنیته"، انسان هایی سنتی و عمیقاً پرورش یافته در فضای مناسبات عشیره ای میکوشند تا در جامعه ی مدرن آمریکایی نه تنها زنده بمانند، بلکه رشد کنند و به ثروت های کلان دست یابند. جمعی که بر فردگرایی مفرط (اندیویدوالیسم) استوار است، و آنان را به قله های قدرت و ثروت در این جامعه رهنمون میسازد.

منبع □ متن پیشگفتار کتاب "آخرین پدرخوانده" اثر ماریو پوزو به قلم حبیب الله شهبازی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۸۷۴/آخرین-پدرخوانده>